

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ

نیاورند ایمان \* وکنم منقلب دل های آنها را و چشم های آنها را چون نیاوردند

يُؤْمِنُوا بِهٖ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۱۱﴾

ایمان بر آن اول مرتبه و میگذاریم آنها را در طغیان ایشان سرگردان \*

وَلَوْ اَنَّآ نَزَّلْنَا اِلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْبَشَرٰٓةَ وَحَشَرْنَا

ولو ما نازل میکردیم برای آنها ملائک را و متکلم میشد با آنها مرده و حشر میکردیم

عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا لِيَوْمِئِذٍ مِّنْوَالِآءِ أَن يَشَاءَ اللَّهُ

بر آنها کل شیء مقابلاً، نمی شدند با ایمان الا که خواهد الله

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿۱۱۳﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا

و لکن اکثر آنها میکنند جهالت \* و اینطور ساختیم بکل انبیاء دشمنان

شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ

شیاطین انسی و جنی میکنند وحی بعض آنها برای بعضی مزخرف

الْقَوْلِ غُرُورًا ۱۱۲ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا

سخنان گمراهی. و اگر میخواست رب تو نمیکردند فعل چنین بگذار آنها را و آنچه

يُفْتَرُونَ ۱۱۳ ۱۱۳ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

میکند افتراء\* تا شود مایل بسوی آن دل های کسانیکه ندارند ایمان

بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ ۱۱۴ ۱۱۴ أَفْغَيْرُ

به آخرت و شوند راضی به آن و کنند کمائی آنچه آنها میکنند کمائی\* آیا غیر از

اللَّهُ ابْتِغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا ط

الله بجویم حکمی؟ و اوست که نازل کرد بشما کتاب را مفصلاً.

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّنْ رَبِّكَ

و آنانکه داده بودیم کتاب را دارند علم که آنست نازل شده از جانب رب تو

بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٥﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا

برحق پس نباش از شك کنندگان \* شد تمام کلام رب تو به صدق

وَعَدْلًا مَّبْدُلًا لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۱۶﴾ وَإِنْ

و عدل. نیست مبدل شدنی کلمات او. و اوست السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* و اگر

تُطِيعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ

کنی اطاعت اکثر هر که در زمین است میکنند گمراه ترا از سبیل الله. نمیکنند

يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿۱۱۷﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ

متابعت إلا گمان را و نیستند آنها إلا حدس زنان \* یقیناً رب تو او

أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٨﴾ فَكُلُوا

دارد علم هر که میشود گمراه از سبیل او، و او دارد علم بهدایت شدگان \* بخورید

مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٩﴾ وَمَا

از آنچه ذکر شد اسم الله بر آن اگر هستید بر آیات او مؤمنین \* و چرا

لَكُمْ إِلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ

شما نه خورید از آنچه ذکر شد اسم الله بر آن حالانکه تفصیل شد بشما

مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ

آنچه حرام کرد بر شما إلا آنچه در اضطرار شوید برایش. و یقیناً کثیری میکنند گمراه

بَاهْوَاهِهِمْ بغيرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْبُعْتِدِينَ ﴿١٢٠﴾

با هواهای خود بغير علم. یقیناً رب تو او دارد عالم بر تجاوزکنندگان \*

وَذُرُوا ظَاهِرَ الْأَثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَثْمَ

و ترك کنید ظاهری گناه را و باطنی را. یقیناً آنانکه میکنند کسب گناهی

سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢١﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ

می بینند جزا قرار آنچه می کردند کمائی\* و نخورید از آنچه نشده ذکر

اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ط وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَى

اسم الله بر آن بیقین آنست فسق. و یقیناً شیاطین میکند وحی برای

أُولِيَّيَهُمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢٢﴾<sup>ع</sup>

اولیاء خود تا کنند مجادله با شما. و اگر کردید اطاعت از آنها یقیناً هستید مشرکان\*



أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي

آیا آنکه بود مرده دادیم حیاتش و ساختیم برایش نور، کند روش با آن بین

النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِمَخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ

مردم، مانند آنکه مثال او در ظلمات بوده ندارد خروج از آن. اینطور

زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۳﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ

مزین شد بکافران آنچه همواره میکنند عمل\* و اینطور ساختیم در هر

قَرِيَةً أَكْبَرُ جُرْمِهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا ۖ وَمَا يُكْرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ

قریه اکابر، مجرمان ایشانرا تا مکر کنند آنجا. و نمیکنند مکر الا بنفسهای خود

وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۱۴﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ مِنْ حَتَّىٰ

و ندارند شعور \* و اگر بیاید برای آنها آیتی میگویند نمی آوریم ایمان حتی

نُؤْتِي مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ

بما داده شود مثل آنچه شد داده برُسل الله. الله دارد علم که کجا بفرستد

رِسَالَتِكَ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ

رسالتش را. میشود نصیب آنانرا که جرم کردند، پستی نزد الله و عذاب

شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿۱۲۵﴾ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ

شدید بسبب که میکردند مکر \* و هر کرا کند اراده الله بهدایتش، کند فراخ

صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا

سینه او را برای اسلام. و هر کرا کند اراده بگمراهیش میسازد سینه او را ضیق،

حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۖ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ

فشرده مثلیکه میروود بالا به سماء. اینچنین می گمارد الله دهشت را

عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۲۶﴾ وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۖ قَدْ

بر کسانیکه نمی آورند ایمان \* و اینست صراط رب تو مستقیم. یقیناً

فَصَلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿۱۲۷﴾ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ

تفصیل دادیم آیات را بقومیکه میشوند متذکر \* برای آنهاست دارالسلام نزد رب آنها

وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۸﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا

واوست ولی آنها بسبب آنچه میکردند عمل \* و روزیکه کندحشر آنها را جمیعاً،

يَعُشِّرَ الْجَنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاهُمْ

"یا معشر الجن کردید تابع کثیر از انس را". و گویند اولیاء آنها

مِّنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا آجَلَنَا الَّذِي

از انس: "رب ما کرد تمتع بعضی ما از بعضی و رسیدیم اجل خود را که

أَجَلْتُ لَكُمْ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خُلِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

اجل کردی بما". گوید آتش جای شما خلد کنید آنجا الا آنچه خواهد الله.

إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٩﴾ وَكَذَلِكَ نُورِي بَعْضَ الظَّالِمِينَ

یقیناً رب توست حکیم علیم \* و اینطور کنیم مولی بعض ظالمان را

بَعْضًا يَمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٣٠﴾ يَمْعُشِرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ

بر بعضی بسبب آنچه می کردند کسب \* یا معشر جن و انس آیانه

يَأْتِكُمْ رَسُولٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ

آمد بشما رُسل از شما، می‌کردند قصه بشما آیات مرا و میدادند اخطار بشما

لِقَاءِ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْتُمْ الْحَيَاةَ

لِقَاءِ روز شما همینرا. گفتند شاهدیم بر نفسای خود، و فریب داد آنها را حیات

الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣١﴾ ذٰلِكَ

دنیا و شاهد شدند بر نفسهای خود که آنها بودند کافران \* برای آن

أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ﴿١٣٢﴾

که نمی کند رب تو هلاک قریه را بظلم وقتی اهل آن باشند غافلان \*

وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٣﴾

و بكل درجات از آنچه عمل کردند. و نیست رب تو غافل از آنچه میکنند عمل \*

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِن يَشَاءُ يُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ

و رب تو غنی است با رحمت. گر خواهد کند نابود شمارا و سازد خلیفه از



بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخِرِينَ ﴿١٣٤﴾ إِنَّ مَا

بعد شما هر کرا خواهد چنانچه نشأت داد شمارا از اولادۀ قوم اخير. \* يقيناً آنچه

تُوعَدُونَ آيَاتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٥﴾ قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا

ميشويد وعده می آید و نیستید عاجز کنندگان \* بگو یا قوم من عمل کنید

عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۗ مَنْ يَكُونُ لَهُ

بر مکان خود من هم هستم عامل. پس زود می آید علم شما کیست که میشود از او

عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْدِيهِ الظَّالِمُونَ ﴿۱۳۶﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ

عاقبت دار. <sup>۱</sup> یقیناً او ندهد فلاح بظالمان \* و میسازند به الله از آنچه پیدا کرده

مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ

از کشت و مواشی نصیبه، که گویند اینست برای الله، بزعم خود، و

هَذَا الشُّرَكَاءِ إِنَّا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ

اینست برای شرکاء ما. آنچه هست برای شرکاء آنها نمی رسد به الله و

(۱) عاقبت دار: خانه آخرت.

مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٧﴾

آنچه هست برای الله همان میرسد به شرکاء آنها. سوء است آنچه میکنند حکم \*

وَكَذٰلِكَ زَيَّنَّا لِكَثِيْرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ قَتْلَ اَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءُ وَّهُمْ

و اینطور مزین ساخته بکثیر از مشرکین قتل اولاد آنها را شرکاء ایشان

لِيُرْدُوْهُمْ وَّلِيَلْبِسُوْا عَلَيْهِمْ دِيْنَهُمْ ۗ وَّلَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا

تاکنند هلاک آنها را و کند ملبس بر آنها دین آنها. و اگر میخواست الله نمیکردند

فَعَلَوْهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳۸﴾ وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَ

فعل بر آن پس بگذار آنها را و آنچه میکنند افتراء\* و گویند "این يك مواشی و

حَرْتٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ تَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ

کشت منع است، نخورد آنرا إلا آنانکه ماخواهیم" به زعم آنها، واز مواشی حرام باشد

ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ

پشت های آنها<sup>۱</sup> واز مواشی نکنند ذکر اسم الله را بر آنها - افتراء کنند براو.

(۱) سوار شدن بر آنها.

سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳۹﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ

میده‌د جزا آنها را بسبب آنچه میکردند افتراء\* و میگویند آنچه در بطن‌های این

الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَيَّٰرِزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ

مواشی باشد خالص برای ذکور ما و حرام باشد بر ازواج ما. و اگر باشد

مَيْتَةٌ فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ حَكِيمٌ

مرده باز باشند در آن شرکاء. می‌دهد جزا آنها را بوصف آنها. یقیناً اوست حکیم

عَلَيْهِمْ ۱۴۰ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

علیم \* البته خساره کردند آنانکه قتل کردند اولاد خود را بسفاهت بغير علم

وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا

و حرام کردند آنچه رزق داد آنها را الله افتراءً بر الله. البته گمراه شدند و نشدند

مُهْتَدِينَ ۱۴۱ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ

هدایت یافتگان \* و اوست آنکه داد نشأت جنات تاك دار و غير تاك دار

وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا

و نخل و مزارع، مختلف خوراک آن، و زیتون و انار، متشابه

وَّغَيْرِ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ

و غیر متشابه. بخورید از ثمره آن چون کرد ثمر و بدهید حق او را بروز

حَصَادِهِ ۖ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۱۴۲﴾ وَمِنَ الْأَنْعَامِ

درو آن و نکنید اسراف. یقیناً او ندارد حب با اسراف کنندگان \* و از مواشی باشد

حُمُولَةً وَفَرِشًا ط كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ

حمل کننده و فرشی. <sup>۱</sup> بخورید آنچه رزق داد بشما الله و نکنید متابعت خطوه <sup>۲</sup> های

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۶۳﴾ ثَمِينَةٌ أَرْوَاحُ مِنَ الضَّالِّينَ

شیطان را. که اوست بشما دشمن مبین \* هشت تا زوج اند! از گوسفند

اثنین و مِنَ الْمَعْرَاضِينَ ط قُلْ أَلَّذِكْرِينَ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثِيَيْنِ

دو و از بز دو. بگو آیا نرها را حرام کرده یا ماده هارا

(۱) برای حمل و فرش: مواشی جسیم برای حمل و نقل و مواشی خورد (فرشی) برای خوراک. (۲) خطوه: قدم.



أَمْ أَشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيْنِ نِسْؤُنِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ

یا آنچه مشتمل است بر آن رحم های دو ماده؟ خبرم دهید با علم اگر هستید

صَادِقِينَ<sup>۱۴۴</sup> وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ

صادقین \* و از شتر دو و از گاو دو. بگو

أَلَاذَّكَرِينَ حَرَّمَ أَمْ الْأُنثَيْنِ أَمْ أَشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ

آیا دو نر را حرام کرده یا دو ماده را یا آنچه مشتمل است بر آن رحم های

(۱) مشتمل: محتوی، دارائی، درخود داشتن، شامل بودن

الْأُنثِيَيْنِ ۖ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ ۚ إِذْ وَصَّيْنَاكُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ

دو ماده. آیا بودید شاهد وقتی وصیت کرد شمارا الله براین. پس کیست ظالمتر

مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ

از آنکه کند افتراء بر الله دروغی تا کند گمراه مردم را بغیر علم. یقیناً الله

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۚ ﴿١٤٥﴾ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ

ندهد هدایت بقوم ظالمین \* بگو نمی یابم در آنچه وحی شد برایم

مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا

حرام بر خورنده که میخورد آنرا الا که باشد مرده یا خون ریخته شده

أَوْ لَحْمَ خَنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمِن

یا گوشت خنزیر، بیقین آنست رجز و فسق، شده تهلیل بغیر الله برآن. آنکه

اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۴۶﴾ وَعَلَى

باشد مضطرب غیر باغوت و سرکشی باز یقیناً رب توست غفور رحیم \* و بر

الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ

کسان یهود حرام کردیم کل ذی ظفر<sup>۱</sup> را. و از گاو و گوسفند

حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا

حرام کردیم بر آنها شحوم<sup>۲</sup> آنها را. الا آنچه حمل میکند پشتهای آنها و محتوا آنها

أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٧﴾

یا آنچه مخلوط باشد با استخوان. اینرا جزا دادیم به آنها بر بغاوت آنها. وماهستیم صادقان \*

(۱) ذی ظفر: دارای ناخن، سُم، پنجه. (حیواناتیکه سُم آن شق ندارد) (۲) شحوم: چربی.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ

اگر تکذیب کنند ترا بگورب شماست با رحمت وسیع. و نشود رد عذاب او

عَنِ الْقَوْمِ الْبَاطِلِينَ ﴿۱۴۸﴾ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ

از قوم مجرمان \* میگویند کسان مشرک اگر میخواست الله

مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ

نمیکردیم شریک و نه آباء ما و نمیکردیم حرام کدام شیء را. چنین تکذیب کردند

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ

کسان از قبل آنها حتی ذائقه کردند عذاب مارا. بگو آیا هست نزد شما چیزی

عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

علم، بکنید خارجش برایما. نمیکنید متابعت الا گمان را و نیستید شما الا

تَخْرُصُونَ ﴿١٤٩﴾ قُلْ فِی اللَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ۖ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٥٠﴾

ستیزه گران \* بگو از الله است الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ. <sup>۱</sup> اگر خواهد کندهدایت شمارا جمیعاً \*

(۱) الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ: دلیل محکم

قُلْ هَلْ مَشِيتُمْ شُهَدَاءَ كُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا<sup>ج</sup>

بگو بیارید شهداء خود را که بدهند شهادت که الله حرام کرده این را

فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُوا مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا

پس اگر شهادت دادند باز مده شهادت با آنها. و مکن متابعت هوای کسان مکذب بر

بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ<sup>ع</sup>

آیات مارا و آنانکه ندارند ایمان به آخرت و هستند برب خود معادل گیران\*

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ

بگو بیائید کنم تلاوت آنچه حرام کرد رب شما بر شما، هرگز نکنید شریک باو چیزی و

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٌ نَحْنُ

با والدین خود کنید احسان. و نکنید قتل اولاد خود را از املاق. <sup>۱</sup> ما

نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

میدهیم رزق بشما و آنها را. و نشوید قریب به فحاشی چه ظاهر باشد از آن و چه

(۱) املاق: از ترس فقر، از ترس تملق.



بَطْنٌ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ

باطن. و نکند قتل نفسی را، آنرا که حرام ساخته الله، إلا بحق. چنین کرد

وَصُكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۵۶﴾ وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا

وصیت شمارا بر آن تا که کنید تعقل \* و نشوید قریب بمال یتیم إلا

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۚ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ

طوری که باشد احسن حتی کند بلوغ بقدرتش. و کنید وفا به پیمانہ و میزان

بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ

به انصاف. نکنیم مکلف نفسی را إلا قرار وسع او. و چون گوئید سخن بکنید عدل و

لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ

لو باشد با اقارب. و بعهد الله کنید وفا. چنین کند وصیت شمارا برآن تاکه

تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٣﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا

شوید متذکر \* و یقیناً اینست صراط من مستقیم کنید متابعت آنرا. و نکنید متابعت

السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذِِكْرُكُمْ وَصُكُّكُمْ بِمَآعَتِكُمْ

راه ها را که کند متفرق شمارا از سبیل او. چنین کند وصیت شمارا برآن تا که شما

تَتَّقُونَ ﴿٥٤﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ

کنید تقوا \* باز دادیم بموسی کتاب را تماماً بر آنچه است احسن

وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ

و تفصیل بکل شیء و هدایت و رحمت برای اینکه بقاء رب خود

يُؤْمِنُونَ<sup>١٥٥</sup> وَهَذَا كِتَابُنَا أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا عِلْمَكُمْ

آورند ایمان \* و اینست کتابیکه کردیم نازل آنرا، مبارک، کنید متابعت از آن و کنید تقوا تا بشما

تُرْحَمُونَ<sup>١٥٦</sup> أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَي طَائِفَتَيْنِ مِنْ

شود رحم \* که نگوئید یقیناً شد نازل کتاب بر دو طائفه از

قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَفِيلِينَ<sup>١٥٧</sup> أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا

قبل ما و بس ماندیم از درس های آن غافل \* یا بگوئید اگر که

أُنزِلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَ كُمْ بَيِّنَةٌ

میشد نازل بر ما کتاب، میبودیم بیشتر بهدایت از آنها. اینک آمد بشما بینه

مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً ۗ فَمَن أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ

از رب شما و هدایت و رحمت. کیست ظالمتر از آنکه تکذیب کند آیات

اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا ۗ سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا

الله را و بازدارد از آن. میدهیم جزا آنانرا که میگرداند رو از آیات ما

سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِرُونَ ﴿١٥٨﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ

بدترین عذاب را بر آنکه بودند اعراض کنندگان \* ندارند انتظار الا که

تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِي رَبُّكَ أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ

بیاید به آنها ملائکه یا بیاید رب تو یا بیاید بعض آیات رب تو. روزیکه

يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ

بیاید بعضی آیات رب تو نکند نفع بنفسی ایمانش که نبود

اَمَنْتُمْ مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبْتُمْ فِيْ اِيْمَانِنَهَا خَيْرًا قُلْ

با ايمان از قبل و ميکرد کسب از ايمان خود خيري. بگو

اَنْتَظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٥٩﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ فَرَّقُوا دِيْنَهُمْ وَ

باشيد انتظار ما هم منتظر هستيم \* يقيناً آنانکه تفرقه کردند بدین خود و

كَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِيْ شَيْءٍ اِنَّا اَمْرُهُمْ اِلَىٰ

بودند شيعه، نستي از جمله آنها در هيچ شيعه. يقيناً امر آنهاست نزد

اللَّهُ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٦٠﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ

الله باز میدهد خبر آنها را از آنچه بود افعال آنها \* هر که آمد با حسنه

فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا

برای اوست ده چند امثال آن و هر که آمد با بدی نمیشود جزا داده الا

مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنِّي هَدَىٰ رَبِّي إِلَىٰ

مثل آن و بر آنها نمیشود ظلم \* بگو یقیناً مرا هدایت کرد ربم بر



صِرَاطٍ مُسْتَقِيمَةٍ دِينًا قَائِمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ

صراط مستقیم. دین قائم، ملت ابراهیم حنیف. و

مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۶۲﴾ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَ

نمود از مشرکین \* بگو یقیناً صلوات من و نسک من و

حَيَاتِي وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۳﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ

حیات من و ممات من برای الله رب عالمیان است \* نیست شریکی او را. و

(۱) نسک: مراسم دینی (حج، قربانی وغیره)

بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٤﴾ قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ

برهمن امر شده ام و منم اول مسلمين \* بگو آيا غير از الله

أَبْغَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ

بحويم ربي و اوست رب كل شيء. و نکند کسب هیچ نفس

إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ

الا آنچه ميكند. و نبردرد بار برداري بار ديگريرا. باز نزد رب شما

مَرْجِعُكُمْ فِينَيْتِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٥﴾ وَهُوَ

مرجع شماست باز دهد خبر بشما آنچه بودید در آن به اختلاف \* و اوست

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلِيفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

آنکه ساخته شما را خلائف زمین و رفعت داده بعضی شما را فوق بعضی

دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ

بدرجات تا کند آزمایش شما را بر آنچه داد بشما. یقیناً رب شماست سریع العقاب

١١٠ الانعام ٦ ولوانفا ٨ منزل ٢

وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٦﴾

و يقيناً اوست غفور رحيم \*